

تفسیر و تحلیل متون زبان و ادبیات فارسی (دهخدا)

دوره ۱۵، شماره ۵۵، بهار ۱۴۰۲، صص ۴۵۹-۴۸۱

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۱۲/۱۴، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۳/۱۱

(مقاله پژوهشی)

DOI: [10.30495/dk.2022.1954333.2451](https://doi.org/10.30495/dk.2022.1954333.2451)

تبیین شاخصه‌های ادبی مکتب مینی‌مالیسم در اشعار شفیعی کدکنی

سیده زهرا روحانی^۱، دکتر شهین اوجاق‌علیزاده^۲، دکتر فاطمه امامی^۳

چکیده

مکتب هنری مینی‌مالیسم، به عنوان یکی از مکاتب ادبی به بیان موقعیت‌های کوتاه داستانی در متون نثر می‌پردازد. با گسترش رویکردهای متنوع روابط و مناسبات شعری در جامعه، این مکتب در شعر نیز به شکل قابل توجهی خود را نمایان ساخت. از این رو نه تنها می‌توان مصادیق آن را در شعر کشف نمود، بلکه می‌توان در مضمونی کوتاه به عظمت یک محتوای داستانی، که در قالب کلامی موجز مطرح شده است، نیز دست یافت. در پژوهش حاضر به روش توصیفی-تحلیلی و به روش کتابخانه‌ای (مطالعات کتاب‌ها و پایان‌نامه‌ها) به تبیین مفاهیم پرداخته شده است. با عنایت به عنوان پژوهش حاضر و تعمق در اشعار شفیعی کدکنی، می‌توان دریافت که شعر وی، علاوه بر داشتن ارزش‌های محتوایی و بیان آموزه‌های اخلاقی، سیاسی و اجتماعی، بابتی را به روی مطالعه شعر مینی‌مال می‌گشاید که در خور تأمل است. شخصیت واحد، زمان و مکان محدود، گرایش رئالیستی و بیان دغدغه‌های بشری که از مؤلفه‌های مینی‌مال است، در شعر وی حضور پررنگ دارند. از این رو در پژوهش حاضر به نقد اشعار و افکار او بر مبنای روابط و مناسبات گسترده مینی‌مالیسم و شاخصه‌های متعدد آن می‌پردازیم، که مصادیقی چون کمینه‌گرایی، سادگی، گریز از تکلف و دغدغه‌های انسان معاصر شاخص‌ترین رهاورد آن است. یافته‌های این پژوهش حاکی از آن است که در اشعار شفیعی کدکنی گرایش به حجم کم، کمینه‌گرایی، دوری از پیرایه‌های زبانی، روی آوردن به رئالیسم، بیان اندیشه‌های جذاب و با طراوت، حضور پررنگ دارند. این پژوهش به دنبال بررسی جلوه و جایگاه مینی‌مال در اشعار شاعر برجسته عصر معاصر شفیعی کدکنی است.

واژه‌های کلیدی: مینی‌مالیسم، ایجاز، شفیعی کدکنی، رئالیسم، تلمیح.

^۱ دانشجوی دکتری گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد رودهن، دانشگاه آزاد اسلامی، رودهن، ایران.

zrouhani25000@gmail.com

^۲ استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد رودهن، دانشگاه آزاد اسلامی، رودهن، ایران. (نویسندهٔ مسؤول)

alizade@riau.ac.ir

^۳ استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد رودهن، دانشگاه آزاد اسلامی، رودهن، ایران.

femami@ymail.com



مقدمه

در سال‌های اخیر، همگام با رشد سریع فناوری و گسترش و تنوع رسانه‌ها، میل و کشش به کم و کمینه‌گرایی گسترش پیدا کرد. از طرف دیگر، مشغله‌های فراوان زندگی انسان معاصر سبب شد، تا مخاطبان از اطناب، گریزان و به ایجاز و خلاصه‌گویی، تمایل پیدا کنند. این رویکرد به شعر هم سرایت کرد و گزیده‌گویی و کوتاه‌سرایی در میان شاعران رایج گردید و مینی‌مال، در راستای دغدغه‌های پر شتاب زندگی شکل گرفت و شاعران این عرصه، از اطناب و تطویل کلام دست برداشتند و عناصر ضروری و اصلی کلام را در سرایش‌های خود بیان نمودند. گفته می‌شود، شعر مینی‌مال با کمترین واژه، در بردارنده مقصود و معنای خود است و به دلیل دوری از اطناب و بیان مطالب اصلی، در حافظه مخاطب ماندگار و تأثیرگذار است. در عصر حاضر، ظهور دانش‌های متعدد و گسترش صنعت و دغدغه‌های انسان معاصر باعث شد که زندگی بشر، دچار تغییر و تحولاتی گردد و این امر هنر و ادبیات را نیز تحت تأثیر قرار داد و به همین دلیل انسان معاصر به مکتب مینی‌مالیسم روی آورد. در این راستا توجه به بن مایه‌های آثار شعرهای معاصر با توجه به مضامین رایج این دوران در شعر، بستر مناسبی را جهت فضای نقد و تبیین مفاهیم کلامی فراهم می‌آورد، در این میان توجه به اشعار شفیعی کدکنی با توجه به ساختارهای بنیادین کلامی، بیانی و برخوردار از شاخصه‌های متعدد کلامی مکتب مینی‌مالیسم، بستر مناسبی را جهت تحلیل ساختاری متن را فراهم می‌سازد.

- ۱- کدام یک از مضامین شعری شفیعی، دارای روابط و مناسبات مکتب مینی‌مالیسم است؟
- ۲- عناصر مکتب مینی‌مالیسم تا چه حد در بیان دغدغه‌های اجتماعی و فکری شفیعی کدکنی، مؤثر بوده است؟

ضرورت پرداختن به چنین پژوهش‌هایی نقد و تحلیل مبانی اجتماعی جامعه عصر حاضر است. زیرا شاعر با بیان دغدغه‌های ذهنی خود پیرامون مسائل اجتماعی، سیاسی و اخلاقی جامعه، به نقد و تبیین مناسبات جامعه خویش می‌پردازد.

پیشینه تحقیق

با توجه به جستجوها و بررسی‌های انجام شده، تاکنون در خصوص موضوع این مقاله، پژوهشی مستقل صورت نگرفته است؛ اما در زمینه مکتب مینی‌مالیسم و تطبیق آن با برخی از آثار ادبی فارسی مقالات و آثار ارزشمندی نوشته شده است که از آن جمله‌اند:

۱. جزینی (۱۳۷۸) در مقاله‌ای با عنوان «ریخت‌شناسی داستان‌های مینی‌مالیستی» به ویژگی‌ها و ریخت‌شناسی داستان‌ها و همچنین خطاهایی که در سبک مینی‌مالیستی به دست آمده است می‌پردازد. پژوهشگر این رساله تفاوت‌ها و مزیت‌هایی غیر از دیگر آثار کار شده در حوزه مینی‌مالیستی می‌پردازد که عبارتند از: نقد و بررسی کارکردهای تمام حکایت‌های گلستان سعدی و انطباق آن با سبک مینی‌مالیستی و همچنین جلوه‌ها و شباهت‌های ساختاری حکایت‌های گلستان سعدی با سبک مینی‌مالیستی.

۲. فرشاد سلیمی نژاد و همکاران (۱۴۰۰)، این پژوهش به بررسی و تحلیل مؤلفه‌های هویت ملی در اشعار اخوان ثالث و شفیع کدکنی می‌پردازد. پژوهشگر این رساله ابتدا به مساله هویت، هویت فرهنگی، اجتماعی و ملی پرداخته و مصادیق هویت ملی را در سروده‌های این دو شاعر یافته است.

۳. ندا فخریان (۱۳۹۴) بررسی تطبیقی تلمیحات در اشعار مهدی اخوان ثالث و محمدرضا شفیع کدکنی. این پژوهش به بررسی و مقایسه صنعت تلمیح در اشعار مهدی اخوان ثالث و محمدرضا شفیع کدکنی می‌پردازد و عناصر متعددی که در معنای ثانویه کلام پیرامون صنعت تلمیح در سخن آن دو قابل رویت است.

۳. فاطمه مدرسی و مهرویه رضی (۱۳۹۱) در مقاله‌ای با عنوان «ویژگی‌های مینی‌مالیستی در برخی داستان بیت‌های دیوان مولانا» رشد و پیشرفت تکنولوژی دنیای مدرن باعث شده است که مردم عصر حاضر به سمت کوتاه‌گرایی گرایش پیدا کنند که از این کوتاه‌گرایی به عنوان سبک مینی‌مالیستی یاد می‌شود. کوتاه‌گرایی، جریانی است که تمامی ابعاد زندگی از جمله هنر و شعر و داستان و... را در بر گرفته است. بنابراین مینی‌مال‌های ادبی، آثاری کوتاه هستند که نویسنده در این سبک به کمک یک طرح منظم، شخصیتی اصلی را در یک واقعه اصلی نشان می‌دهد. سبک مینی‌مالیستی تقریباً مرز بین شعر کوتاه و جمله کوتاه است.

۴. مسعود روحانی و همکاران (۱۳۹۰)، بررسی تطبیقی آرکائیسیم در شعر معاصر با محوریت سه شاعر (اخوان ثالث، شاملو، شفیع کدکنی)، پیکره اصلی این مقاله، بر مبانی و کشف قوانین و باستان‌گرایی در شعر این سه شاعر و توجه آن‌ها به مضامین و عناصر کهن شکل گرفته است.

۵. احمدرضا صیادی و عبدالحسین رحمتی (۱۳۹۱) در مقاله‌ای با «مینی‌مالیسم ادبی» معتقدند که مینی‌مالیسم در ادبیات غرب به ویژه ادبیات آمریکا، پدیده‌ای نو به شمار می‌رود. اما در

ادبیات مشرق زمین به ویژه ادبیات فارسی، نمونه‌های بسیاری می‌توان یافت که با این گونه ادبی قابل انطباق باشد. از جمله این آثار دو بیتی و رباعی‌ها و شعرهای معاصر که از آن به نام طرحواره یا طرح یاد می‌کنند که از جمله مصداق‌های مینی‌مالیست هستند.

روش تحقیق

پژوهش حاضر با روش توصیفی - تحلیلی، به بررسی اشعار شفیعی‌کدکنی با توجه به مؤلفه‌های مکتب مینی‌مالیسم، پرداخته است. با عنایت به آنچه ذکر شد، در ادامه به تبیین مبانی مکتب مینی‌مالیسم جهت ورود به مبحث اصلی پژوهش، تبیین اشعار مینی‌مالیستی شفیعی کدکنی می‌پردازیم.

مبانی تحقیق

مینی‌مالیسم

مینی‌مالیسم، عنوانی عمومی است که در کاربرد عامیانه‌اش به هر اثر کوتاه و یا خالی از عناصر داستانی گفته می‌شود. این عنوان در آغاز پیدایش به صورت کنایی و برای تحقیر، گونه‌ای از آثار ادبی به کار می‌رفت، ولی به تدریج توسط نظریه پردازان و منتقدان ارزش‌های آن کشف شد و حدود و ثغوری یافت و مرزهایش به روشنی مشخص شد. اگرچه آغاز و پیدایش مینی‌مالیسم از ادبیات و هنرهای کلامی نبود، اما در ادبیات و به ویژه ادبیات داستانی اقبال و ماندگاری بیشتری یافت. تعامل و اشتراک مفهومی داستان مینی‌مال با ادبیات پست مدرن و واکنش به پیچیدگی‌های آن سبب پویایی و سادگی مینی‌مال شد. این قالب داستانی، امروزه دیگر آن گستردگی و اقبالی را که در آمریکا و اروپا در سال ۱۹۸۰ میلادی داشت، پشت سر گذاشته است.

جنبش و مکتب مینی‌مالیسم نخستین بار در هنرهای تجسمی نمود پیدا کرد و آثار هنرمندان آمریکایی همچون کارل آندره، داندل جاد، دان فلیوین، و ... را در بر گرفت. اصطلاح مینی‌مالیسم بعد از نمود در هنرهای تجسمی توسط منتقدان موسیقیدانان، برای تجربه‌های آهنگسازان جوانی مثل تری رایلی، استیورایک به کار برده شد، که با الهام گرفتن از آثار جان کیچ و کارل هاینز، تکنیک‌های کاهش و تکرار نت‌های همسان و روش‌های هنرمندان تجسمی را به هنر موسیقی وارد کردند. در این دوران با درک این موضوع که آگاهی و قدرت انسان بی‌اندازه محدود است، برخی هنرمندان را بر آن داشت تا مفهوم محدودیت را به عنوان اصل اساسی و زیربنایی در

آثارشان به کار گیرند. بنابراین مینی‌مالیسم، به صورت یک مکتب که در نگارش آثار ادبی به کار برده می‌شود، گرایشی به نسبت جدید در ادبیات داستانی آمریکاست. کیم هرزینگر، هسته اولیه نویسندگان مینی‌مالیست را متشکل از ریموند کارور، آن بیتی، فردریک بار تلمه، مری روبیسون، توبیاس وولف و بابی آن میسون می‌داند (ر.ک: هرزینگر، ۱۹۸۵: ۷۳).

سادگی، یکی دیگر از مفاهیم زیربنایی مینی‌مالیسم است. این مفهوم در تقابل با برخی مفاهیم دیگر است که مطرح می‌شود. مینی‌مالیسم اثری هنری ساده که از پیچیدگی به دور است، تزئین شده و آراسته نیست و ترفندها و ریزه‌کاری‌های هنری ندارد و یکی از خصوصیت‌های اصلی این هنر، زیبایی نوشتاری آن است که حرف‌های زیادی دارد که آن حرف‌ها را در نهایت در چند جمله، خلاصه و بیان می‌کند. چیزهای ساده معمولاً طبیعی‌تر دانسته می‌شود؛ اما این سادگی برای آثار هنری خطر محسوب می‌شود و آن آثار را در معرض پوچی و بی‌مایگی قرار می‌دهد. اثر مینی‌مال برای رسیدن به جوهر و حقیقت چیزها، از رتوریک مرسوم فاصله می‌گیرد و به همین دلیل ممکن است در نخستین برخورد، تاثیری بگذارد که از آن به بی‌مایگی تعبیر شود (ر.ک: سودووسکی، ۱۹۶: ۵۲۹).

هدف مینی‌مالیسم، افزایش اثرگذاری و تأثیر از طریق کاهش و محدودیت است. جان بارت، نقل قول مشهور براونینگ «اندک، بسیار است» را بیان مناسبی برای این هدف می‌داند. بارت، معتقد است که تاثیرگذار بودن یک هنر می‌تواند با خست در بکارگیری ابزارهای هنری افزایش یابد، حتی اگر چنین امساکي باعث از بین رفتن برخی دیگر از ارزش‌های داستان نظیر کمال، غنا یا دقت شود (ر.ک: بارت، ۱۳۸۱: ۶۵). مینی‌مالیسم را اغلب واکنشی به شیوه‌های متکلف بیان می‌دانند. با این حال، روشن است که محدود کردن فوق‌العاده رتوریک، خود شیوه‌ای بلاغی است. به همین دلیل برخی منتقدان، مینی‌مالیسم را هم نوعی تکلف می‌دانند (ر.ک: کلارک، ۱۹۹۰: ۱۴۳).

مینی‌مالیسم در دوره معاصر

داستانک یا مینی‌مالیسم، یکی از گونه‌های مشهور و رایج سبک کمینه‌گرا در ادبیات جهان است. این اثر ادبی امروزه مورد توجه برخی از نویسندگان جهان است و در میان طبقات مختلف جامعه، طرفداران جدی دارد. مینی‌مالیسم در قالب داستان کوتاه یا داستانک به نام‌های دیگری نیز خوانده می‌شود (ر.ک: پارسی‌نژاد، ۱۳۸۲: ۵۹). نویسندگان این سبک هنری،

از نوشتن قید و بندها و افراط در به کار بردن کلمات و جملات پرهیز می‌کنند و با حذف زوائد و دیگر اطلاعات غیرضروری، داستان خود را ساده و کوتاه می‌کنند و فکر و اندیشه خواننده در این گونه داستان‌ها آزاد است و به او این امکان و اجازه را می‌دهد که در بسیاری از موارد قسمت‌هایی از داستان را با دیدگاه شخصی‌اش تصور کند و او را مجبور می‌کنند، که در قسمت‌هایی از داستان تصمیم گیرنده باشد و مسیری را برای ادامه انتخاب کند، چون مینی‌مالیسم از جمله داستان‌های کوتاهی است که در نوشته به پایان نمی‌رسد و خواننده باید با کمک گرفتن از ذهن و اندیشه‌اش آن را ادامه دهد. شخصیت‌هایی که در این گونه داستان‌ها یا رمان‌ها وجود دارند، عموماً افراد عادی هستند چون این گونه داستان‌ها از واقعیت و زندگی افراد عادی نشأت می‌گیرد و در میان آن‌ها هرگز یک شاهزاده و یا یک فرشته زیبا و ... پیدا نمی‌شوند (ر.ک: پویانیا، ۱۳۹۱: ۴).

داستان مینی‌مالیستی، پدیده‌ای جدید است که وارد حوزه ادبیات فارسی شده است. اگر داستان مینی‌مالیستی را به عنوان داستانی بسیار کوتاه شامل تنها یک حادثه یا کانون معنایی و شخصیت‌های محدود و اثری دفعی و واحد و به دور از عناصر کشمکش تصور کنیم، آن گاه می‌توان داستان مینی‌مالیستی را حتی در دورترین دوره‌های ادب فارسی نیز نشان داد. اغلب در این موارد به داستان‌های صوفیانه به ویژه حکایت‌های مربوط به عرفا و کرامات آنان اشاره می‌شود، اما این داستان‌ها از واقع‌گرایی که از اصلی‌ترین ویژگی‌های و جنبه‌های داستان‌های مینی‌مال است، خالی می‌باشد. حکایت‌های سعدی که خالی از عرفان و جنبه‌های عرفانی است، به دلیل اینکه اغلب حکایت‌های جنبه واقع‌گرایی دارد و از نظر حجم و اندازه و محدودیت شخصیت، می‌توان نوعی مینی‌مالیسم به حساب آورد. مینی‌مالیسم، در واقع واکنش به آرایه‌های بلاغی و آراستگی‌های کلام است و نویسنده با دفع این عناصر نوشته‌ی خود را ساده می‌کند و این نویسندگان از هر نوع کاربرد زبان فاخر و ادبی در آثارشان پرهیز کرده‌اند. عموماً هر داستان کوتاه و نیز داستان فاقد روایت پرحادثه «مینی‌مالیستی» خواننده می‌شود. هرچند در واقع باید برای استفاده از این اصطلاح حدود و ثغوری قائل شد (ر.ک: موت، ۱۹۹۹: ۸).

عوامل مؤثر در پیدایش مینی‌مالیسم

آغاز عصر فرا صنعتی و افزایش دستاوردهای آن در کشورهای پیشرفته، از عوامل پیدایش مینی‌مالیسم است. شتاب در زندگی از مهم‌ترین دستاوردهای آن محسوب می‌شود و همین

شتاب و مشکلاتی که انسان در زندگی روزمره‌اش با آن‌ها در کشمکش است، باعث شده است که دیگر حوصله و فرصت برای خواندن داستان‌های بلند را نداشته باشند. عواملی دیگر نیز زمینه ساز شکل‌گیری مینی‌مالیسم گردید که جان بارت آن‌ها را چنین نام برده است:

- شرایط ملی پس از جنگ ویتنام - بحران انرژی در سال‌های ۱۹۷۶-۱۹۷۳ میلادی که با بحران جنگ ویتنام همزمان بود.

- ساده‌پذیری که توسط سینما و تلویزیون رواج یافته بود.

- بی‌حوصلگی و عدم تمرکز حواس آدمیان عصر مجلات.

- واکنش در برابر روشنفکر مآبی و انبوه نویسی.

- نامطلوب بودن سطح دانش مقدماتی دستور زبان و زبان‌شناسی نویسندگان جوان.

- اجتناب‌ناپذیر بودن از تأثیرات تبلیغات تجاری-سیاسی آمریکا که با تکنولوژی برتر، فضایی

برای اصل سادگی باز کرده بود (ر.ک: بارت، ۱۳۷۵: ۴۵).

یکی از قالب‌های نوین داستان‌نویسی، داستان‌های مینی‌مالیسم است که در آمریکا به دلیل گرفتاری‌های بیشتر مردم و سرعت زیاد جامعه صنعتی ظهور پیدا کرد و از نیمه دوم قرن بیستم همه‌گیر شد. البته این موضوع تنها اختصاص به داستان‌نویسی ندارد، بلکه نوعی فشردگی و عصاره‌طلبی و اختصار در تمام شئون زندگی جلوه‌گر شده است. به گونه‌ای که، خانه‌های ویلایی و حوض‌های آبی دارای ماهی‌های قرمز قدیمی به آپارتمان‌ها و سوئیت‌های امروزی تبدیل شده است و یا سی‌دی‌ها و لوح‌های فشرده جایگزین کتاب‌های قطور و خطی و غیرخطی شده است و از سویی دیگر تنگ حوصله شدن بشر، همه و همه به نوعی آیینۀ تمام‌نمای مینی‌مال می‌باشد که اصل «هرچه کمتر، بهتر» روبرت بروئینگ مورد توجه پیروان مکتب مینی‌مالیسم قرار گرفته و به شعاری برای آنان تبدیل شده است (ر.ک: خلخالی، استاد، ۱۳۸۵: ۴۰).

ظهور و حضور مینی‌مالیسم در همه‌ی کشورها، به یک میزان نبوده است و کشورهای متعددی به تدریج آن را پذیرفته‌اند و یا بین مینی‌مال جدید و گزیده‌گویی و گزیده‌نویسی قدیمی خود به نوعی پیوند برقرار کرده‌اند؛ بنابراین هر محققى در مقایسه کمی و کیفی به این نتیجه می‌رسد که کوتاه‌گویی و کوتاه‌نویسی امروزی، علاوه بر داستان‌نویسی، سایر ویژگی‌های زندگی انسان مدرن را فرا گرفته است (ر.ک: دولتیان، ۱۳۸۸: ۹) زبان داستان، کوتاه‌تند و تیز و برنده است و

می‌توان برای آن مقدمه و تنه و پایانی در نظر گرفت، حتی می‌توان اعضا و اجزای این نوع داستان‌ها را به اجزای کوچکتر تفکیک کرد و به خواننده نشان داد، اما وقتی که به طور کلی به پیکره و ساختمان داستان کوتاه می‌نگریم، متوجه می‌شویم که این داستان از چنان بافت منسجم و یکپارچه‌ای تشکیل شده است که قادر نخواهیم بود برای این ساختمان منسجم، اجزای جزئی و کوچکتری متصور شویم. نویسنده، در چینش عبارات و کلمات چنان با مهارت و حذاقت هنرنمایی می‌کند که با وجود مقدمه، خواننده حضور آن را احساس نمی‌کند. در واقع خواننده داستان کوتاه، خود را از صغری، کبری چیدن‌های بیهوده بی‌نیاز می‌داند و حوصله خواندن داستان‌های بلند با جزئیات بیهوده و اضافه را ندارد و بنابراین نویسنده حاذق نیز باید فراست و تیزهوشی خواننده داستان خود را همواره در نظر داشته باشد. هیچ داستان کوتاهی بدون مقدمه نیست، بلکه مقدمه را می‌توان در همان اصل علت و معلول جستجو کرد که اصلاً هیچ پدیده‌ای بدون علت نیست. گم شدن مقدمه و هضم آن در بطن و متن داستان کوتاه، در داستان‌های کوتاه مینی‌مال بسیار پر رنگ‌تر و اساسی‌تر است (ر.ک: دولتیان، ۱۳۸۸: ۱۲).

ضرورت وجود مینی‌مال (داستانک)

داستانک‌ها با توجه به نیاز جامعه امروزی و وقت محدود انسان معاصر، پا به عرصه وجود گذاشته‌اند. در هر عصر و دوره‌ای انسان‌ها برای انتقال حرف‌ها و بیان اهداف و مقصود خود به دیگران از زبان و شیوه خاص خود استفاده می‌کنند. به این صورت که در روزگارهای اخیر، انسان برای پاسخگویی به نیازها و مسائل مختلف اجتماعی و فرهنگی و ... از زبان موجز و مینی‌مالیستی کمک می‌گیرد تا مقصود خود را بیان کند. مینی‌مالیست با زبان موجز و کوتاه خود، صدایش را با سرعت هرچه تمام‌تر به گوش جهان می‌رساند. داستانک‌ها علاوه بر کوتاهی چشمگیر، حکم نوعی قرائت نقادانه از فرهنگ را نیز دارد. نویسنده، با نوشتن داستانک‌های مینی‌مال، دنیای خیالی‌ای را می‌سازد، که همین عالم خیالی باعث می‌شود که توجه خواننده به دنیای واقعیت معطوف شود و دیدن وجود ناپیدا و مبهم واقعیت‌های جهان برای او میسر شود. این توجه، نقصان فرهنگ را که معمولاً مغفول واقع می‌شوند برای خواننده برجسته می‌کند و بدین ترتیب هر نویسنده جدی، یک منتقد فرهنگ و روابط اجتماعی نیز است و مقصود این است که نویسنده لایه‌های ظاهری واقعیت را کنار می‌زند، تا بطن و حقایق امور را آشکار سازد و مورد کاوش قرار دهد (ر.ک: پاینده، ۱۳۸۵: ۲۹).

شفیعی کدکنی

محمد رضا شفیع کدکنی، با تخلص م. سرشک از جمله شاعرانی است که راه اخوان را در یکی از مجموعه‌های شعر آغازین خود به کار گرفت. شفیع کدکنی، با مجموعه زمزمه‌ها به شیوه کلاسیک پا به عرصه شاعری گذاشته بود، در مسیر شعر نو از مجموعه شبخوانی تا مجموعه بوی جوی مولیان، خط سیر و روند تکاملی مشخصی را پشت سر گذاشته است. او با سرودن مجموعه شعر شبخوانی به آزمودن ذوق و قریحه شاعری خویش، در سمت شاعری اجتماعی و رمز گرا با بینشی کن گرایانه است. در واقع بعد از این دوره گذار است که شفیع می‌تواند چهره و طرز تفکر حقیقی خویش را نشان دهد و به آن من سازگار با جهان‌بینی‌اش دست یابد (ر.ک: دلاویز، ۲۹: ۱۳۹۰).

بحث

تحلیل شاخصه‌های مکتب مینی‌مالیسم در اشعار شفیع کدکنی

داستان مینی‌مال نیز مانند دیگر انواع ادبی، ویژگی‌هایی دارد که آن را به‌عنوان یک نوع خاص از سایر انواع ادبیات داستانی متمایز می‌سازد. این ویژگی‌ها عبارتند از: ایجاز بیش از حد، طرح ساده، گفتگو، پایان غافلگیرکننده، محدودیت شخصیت‌ها، سادگی زبان، واقع‌گرایی، بهره‌مندی از طنز، برجستگی برخی عناصر داستان، تمامیت و کمال، کم حجمی، دارای طرح ساده باشد، بی‌پیرایگی زبان، توجه به دغدغه‌های بشری، استفاده از تلمیح و ارجاعات بین متنی، انتخاب موضوع‌های جذاب، تایپوگرافی، شکل، استفاده از علائم سجاوندی، ایجاز، رئالیسم، تلمیح (ر.ک: پارسا، ۱۳۸۵: ۳۴).

توجه شفیع کدکنی به مسائل اجتماعی، سیاسی، در میان شاعران معاصر، امری قابل توجه است. ساختار بیان وی، توجه به مناسباتی است که با استفاده از سوژه‌های مناسب کلامی در قالب داستان، با تکیه بر انواع ادبی گوناگون و همچنین صنعت‌های ادبی بیان می‌گردند.

ایجاز بیش از حد

معنای واژه مینی‌مال، خود بیانگر حداقل‌گرایی و ایجاز مفرط است. که یکی از خصوصیت‌های بارز داستان‌های مینی‌مالیستی، ایجاز و کوتاهی می‌باشد، به این صورت که داستان، خلاصه و به دور از شرح و توصیف‌های زائد، بیان می‌شود. وجود این ویژگی تا آن‌جا اهمیت دارد که شاید بتوان گفت سایر ویژگی‌ها تحت تأثیر ایجاز شکل می‌گیرند. نظیر این قطعه:

ای شعر من هستی من یادگار باش تاریخ نانوشته این روزگار باش
(شفیعی کدکنی، ۱۳۹۹: ۱۷)

شفیعی، با ملاک قرار دادن سخن خود به شکلی منحصر به فرد، به تبیین افکار و اندیشه‌های خود بر مبنای ایجاز می‌پردازد. نکته قابل توجه، ذکر روایتی است از حوادث دوران زندگی شاعر که با واژه نانوشته، معنا و مصداق می‌یابد. از این رو با استفاده از واژگان مشابه و تکراری، توجه خواننده را به اصل کلام یعنی شعر (سخن خود از حوادث زمان) جلب می‌کند. مصداق رمزگونه این قطعه، واژه شعر است. شاعر با خطاب به کل هستی خویش، که افکار و اندیشه‌هایش، به رشد و بالندگی دست می‌یابد، به شعر، اشاره می‌کند. مقصود از تاریخ نانوشته، روابط و مناسباتی است که مصداق مینی‌مالیستی کلام را با پردازش حقایقی که پدیده بوده و در دل روزگاران نهفته و سرشار از مخاطرات گوناگون بوده، به نمایش می‌گذارد.
قطعه‌ای دیگر:

«آخرین برگ سفرنامه باران این است / که زمین چرکین است» (شفیعی کدکنی، ۱۳۸۴: ۱۶۳).
شاعر با بهره‌گیری از جملات کوتاه و اختصاری به تبیین ماجرابی با ساختاری گسترده می‌پردازد. او با مطرح ساختن واژه سفرنامه، ابعاد مینی‌مالیستی کلام خویش را تکامل می‌بخشد. بیان واژه باران و مناسبات متعدد آن در مراتب چیستی و چرابی از وقایع موجود، کمال ایجاز شاعر از مناسبات اجتماعی و سیاسی جامعه است.

طرح ساده

پایه و اساس داستان مینی‌مال، همان‌طور که گفته شد بر ایجاز و کوتاهی است. کوتاهی بیش از حد این نوع از داستان‌ها مجال برای گره‌افکنی و ایجاد کشمکش و بحران باقی نمی‌گذارد و به همین دلیل، طرح این داستان‌ها، ساده و قابل فهم و درک و به دور از پیچیدگی است. نظیر این قطعه:

وصل تا قبله عشق را مقابل نشود دل، گرچه دل است، باز هم دل نشود
دریای دو روح تا نیامیخت به هم ز آمیزش جسم، وصل حاصل نشود
(شفیعی کدکنی ۱۳۹۹: ۳۵۱)

شاعر جهت بیان درونیات خویش و انعکاس آن به خواننده از واژگانی خاص و پرمعنا و ساده و مستقل استفاده می‌کند. او با ترکیب معنایی سه واژه وصل، عشق و دل، سعی در اثبات

بیان علقه‌ها از طریق صنعت مراعات‌النظیر دارد. بیان طرح ساده عشق و وصال از زبان شاعر در طرحی ساده معنا و مصداق می‌یابد.

گفتگو

این ویژگی نیز در این نوع داستان‌ها به فراوانی دیده می‌شود، تا آن جا که گاهی تمام داستان بر اساس گفتگو شکل می‌گیرد. نظیر این قطعه:

«نیلوفری شدم / بر آب‌های غربت بالیدم / نالیدم

گفتم / با انقراض سلسله سرما

این باغ مومیایی بیدار می‌شود / وانگاه

آن چکاوک آواره / خزن درخت‌ها را

در چشمه سار سحر سرودش / خواهد شست

وینک / در مانده‌ام که امشب / در زیر برف پر حرف

نعش سروده‌های شبانگاهی‌اش را

آیا کجا به خاک سپردند؟» (شفیعی کدکنی، ۱۳۹۳: ۶).

شاعر با بیان روایتی از موقعیت خود، به بیان افکار و اندیشه‌های خویش برای مخاطب می‌پردازد و به این شکل در قالب گفتگویی حزن‌انگیز، از وقایع پیرامون خود سخن می‌گوید. او با استفاده از ارکان پاییز و زمستان رخوت بالندگی و پیشرفت تفکراتش را به وضوح دیده و به گفتگو و نقد پیرامون وقایع زندگی خویش، می‌پردازد. در واقع، جمله خبری نیلوفری بودن او برای شنونده، حکایت از حوادثی عظیم دارد که به صورت یک واژه برای مخاطب بیان نموده و به گفتگو با مخاطب عام می‌پردازد.

پایان غافلگیرکننده

اغلب داستان‌های مینی‌مال، از این ویژگی بهره‌مند هستند و نویسنده به یاری این روش که بر مبنای تغییر جهت ناگهانی پایان داستان است، داستان خود را هر چه بیشتر جذاب می‌کند و با ایجاد شوک در خواننده سبب ایجاد لذت هنری در او می‌شود. نظیر این قطعه:

عمری پی آرایش خورشید شدیم ز آمیزش جسم، وصل حاصل نشود

دشوارترین شکنجه این بود که ما یک یک به درون خویش تبعید شدیم

(شفیعی کدکنی، ۱۳۹۹: ۳۷)

شاعر با استفاده از واژگان متضاد، خواننده را از شنیدن روایت زندگی خویش غافلگیر می‌سازد. در ابتدای امر خواننده متصور است که همه چیز بر خط آرام زندگی در حال عبور است و انتظار نیکی‌ها و خوشبختی‌ها در آینده‌ای نزدیک در پیش روی شاعر خواهد بود، اما بلافاصله در پایان گفتگوی او با واژگانی نظیر ظلمت و نومیدی و تبعید، مواجه می‌گردد و به شدت غافلگیر می‌شود.

محدودیت شخصیت‌ها

در داستان مینی‌مال، به سبب کوتاهی و ایجاز بیش از حد، تعداد شخصیت‌های داستانی محدود است. نظیر این قطعه:

«مرموز درخت / ترجیح می‌دهم که درختی باشم
در زیر تازیانه کولاک و آذرخش
با پویه شکفتن و گفتن
تا در ناز و در نوازش باران
خاموش از برای شنفتن» (شفیعی کدکنی، ۱۳۸۴، ۴۲۷).

شاعر با انعکاس شخصیت خود در قالب یک درخت، در شخصیتی واحد و محدود به بیان وقایع سیاسی و اجتماعی روزگار خویش می‌پردازد. شخصیت‌پردازی محدودی که در واژه درخت قابل رویت است، دستاوردهای او از روابط و مناسبات گذشته، وی را بر آن می‌دارد که منفعل نبوده و مسیر سکون را انتخاب نکند. از این رو به سوی گزینش شخصیتی می‌رود که در سازوکارهای اجتماعی تابع حوادث نبوده و تسلیم وقایع نباشد. مینی‌مالیسم شکل گرفته در این قطعه، حکایت از گونه‌ای ادبیات پایداری و مقاومت با تمامی روابط و مناسبات آن دارد. شاعر با درک وقایعی که رخ خواهد داد، خود را به فضایی فرامی‌خواند که تکاپوی پیشرفت و ترقی است. زیرا معتقد است در ازدحام حوادث و شاخصه‌های آن به تعالی می‌رسد.

واقع‌گرایی

داستان مینی‌مال، معمولاً بیانگر حقایق و واقعیت‌های زندگی اشخاص بیان می‌شود و در بیشتر موارد بر اساس واقعیت‌ها ساخته می‌شود. نظیر این قطعه:

طفلی به نام شادی دیری است گم شده است
«با چشم‌های روشن براق / با گیسویی بلند به بالای آرزو / هر کس از او نشانی دارد.

ما را کند خبر / این هم نشان ما / یک سو خلیج فارس / دیری
به شوق دیدن فردا / گریستم، / فردا چو شد
به حسرت دیروز

۴۷۱

زیستم ...» (شفیعی کدکنی، ۱۳۹۹: ۸۷).

شاعر با تأثیرگذاری بر ساختارهای روحی ابعاد وجودی انسان، به بیان وقایعی می‌پردازد که از نظرگاه انسان در طول تاریخ به دور مانده و هرگز به از دست رفتن غرور و عزتش نمی‌اندیشد. او با بیان واقعیت‌هایی که در دل حوادث اجتماعی و سیاسی از دست رفته، ذهن انسان را به چالش کشیده و بر تمرکز به دنیای اطرافش فرا می‌خواند. سخن او فرازمان و فرامکان است. از این رو، تأکیدش به نگاه به دورنمای گذشته، با برخورداری تمام تمدن‌هایی است که در حال حاضر در زندگی شاعر دیده نمی‌شود. تصور شادی و نشاط به عنوان یک طفل با چشمانی زیبا و داشتن گیسوانی بلند، تمثیل روابط و مناسبات وقایعی است که روزی با تمام شکوه و جذابیتش در نقطه اوج خود درخشیده و هم اکنون در میان دو اسم زمان امروز و دیروز گرفتار شده. گریستن ناشی از حسرت شاعر تبیین فقدان سازوکارهایی است که با طفل شادی که دیگر وجود خارجی نداشته، رویارو نخواهد شد.

بهره‌مندی از درونمایه جذاب

این داستان‌ها، باید درونمایه و مضمونی جذاب داشته باشد تا کمبودهای ناشی از ایجاز بیش از حد را جبران کند و سبب علاقه‌مندی و گرایش و جذب خواننده به سمت داستان گردد. نظیر قطعه:

«وقتی از شاخه اوفتاد آن برگ / با چنان اضطراب و پیچاپیچ

کاروان کلاغ‌ها کردند

یک دقیقه سکوت و دیگر هیچ» (شفیعی کدکنی، ۱۳۹۹: ۲۹۰).

پرواز تخیل شاعر در بیان جذابیت‌ها و عناصری که در زندگی نادیده گرفته شده‌اند در قالب ناامیدی‌ها و از دست رفتن فرصت‌ها با بیان تمثیلی افتادن برگ از درخت و حالت‌های آن و کاروان کلاغان بهت زده دیده می‌شود. انتخاب واژه کاروان آن هم با مسافرانی سیاه‌پوش، حاکی جذابیت و توجه به سایر رنگ‌های زیبا و دارایی‌هایی است که دیده نمی‌شوند و از آن‌ها بهره نمی‌بریم. بهره‌مندی جذاب از این گونه اشعار مینی‌مالیستی، خودآگاهی و روشن بینی است.

بهره‌مندی از طنز

این مورد نیز مانند پایان غافلگیرکننده، جز و ضروریات ساختاری داستان مینی‌مال نیست و ذکر آن به دلیل استفاده‌ی فراوان از آن در این گونه داستان‌هاست. داستان‌های مینی‌مال می‌تواند علاوه بر طنز، درونمایه‌های دیگری چون عاشقانه، غمگین و ... داشته باشد. بنابراین طنز نمی‌تواند از ضروریات این سبک داستانی باشد. نظیر این قطعه:

«فال‌ها گرفته‌اند مردمان / از صدای غارغار او / زیر این کبود آسمان /

این یکی سه غار از و شنیده / گفته: خیر!» (شفیعی کدکنی، ۱۳۹۹: ۵۳)

شاعر با بهره‌گیری از زبان طنز، تصویری را برخلاف باور عوام به تصویر می‌کشد. سوژه منتخب او باورهای مردمی است که بر اساس خرافه‌ها و اندیشه‌های به دور از پیچیدگی، وقایع را تحلیل نموده و آنها را مبنا قرار می‌دهد. شاعر با طرح واژه فال، اساس کلام خود را بنیان می‌دهد و آن‌ها مختص مردمان می‌داند و طبقه‌ای را در خصوص مردمان مطرح نمی‌کند. زیرا واقف است اندیشه‌ها و باورها منحصراً مختص به گروهی است که دغدغه آن‌ها متناسب با شرایط زمانی و مکانی آن‌ها باشد.

برجستگی برخی عناصر داستان

دو عنصر گفتگو و روایت در این داستان‌ها برجستگی زیادی دارند. چون داستان‌های مینی‌مال بر پایه این دو عنصر شکل می‌گیرد.

«در چهار راه برده فروشان / نخاس پیر

فردا یک خطبه در ستایش آزادی ایراد می‌کند

ای روزگار شعبده باز نهران گریز

یک مشت آجیل خنده / بهر تماشا

در جیب ما بریز ...» (شفیعی کدکنی، ۱۳۹۹: ۳۱).

شاعر به جهت پرداختن آلام درونی خویش به برجسته‌کردن کلام با ذکر یک آدرس می‌پردازد. او برای برده فروشان مکانی قائل شده که شاخص است و با نام چهارراه برده‌فروشان شناخته شده است. سخن‌گویی او از نخاس پیر، حاکی از گزینش واژه‌ای خاص است که عملکردی منحصر به فرد و روشن دارد. بهره‌گیری او از واژه برجسته آجیل در متن درام حاکی

از اشاره او به بی‌خیالی و ندیدن وقایع در حال اتفاق است. همانطور که انسان هنگام خوردن آجیل و تخمه محو حوادث فیلمنامه‌ای می‌گردد که گاهی از میزان خوردن خود غافل می‌ماند.

تمامیت و کمال

از آن‌جا که در داستان مینی‌مال، گره‌افکنی و گره‌گشایی‌های دیگر انواع داستان وجود ندارد و این داستان به سبب کوتاهی‌اش از عنصرهای داستانی خالی است، بنابراین می‌توان با یک نگاه، داستان را یک‌جا به طور کامل درک کرد و به هدف و مفهوم داستان دست یافت. (ر.ک: پارسا،

۱۳۸۵:۳۴)

«به کجا چنین شتابان / گون از نسیم پرسید / دل من گرفته زین جا

هوس سفر نداری / زغبار این بیابان؟ / همه آرزویم، اما چه کنم که بسته پایم

به کجا چنین شتابان؟ به هر آن کجا که باشد به جز این سرا سرایم سفرت به خیر!

اما، تو و دوستی، خدا را

چو از این کویر وحشت به سلامتی گذشتی به شکوفه‌ها به باران

برسان سلام ما را» (شفیعی کدکنی، ۱۳۹۹:۵۶).

شاعر با طرح داستانی کوتاه و با استفاده از شخصیت‌های محدود، به بیان یک مناظره می‌پردازد و تمام مقصود خود را در چند سطر مطرح می‌سازد. شاخصه‌گزینش واژگان بر اساس عناصر و مناسبات ساختاری کلام، حاکی از آن است که وی بر اساس شخصیت‌های جهان اطراف، به بیان موقعیت‌های زندگی اجتماعی افراد در جامعه می‌پردازد او با گزینش بوتۀ خشک و نسیم به عنوان شخصیت‌های اصلی به تبیین رفتار شخصیت‌هایی می‌پردازد که در تعالی بخشیدن به افکار خود نیاز به همراهانی دارند تا افکار و اندیشه‌های خویش را تحقق بخشند. از این رو با استمداد از روابط و مناسبات گوناگون پیام خود را به گوش همگان می‌رساند.

کم حجمی

کم‌ترین کلمه عمیق‌ترین مفهوم را در عین سادگی انتقال می‌دهد. اولین و مهمترین ویژگی متمایز کننده شعر مینی‌مال حجم کوتاه آن است. نظیر این قطعه:

«یخ بسته سنگ و دست و صدا نیز / در کوچه‌های حادثه یارا

بن بست ظلمت است، و زآن سوی / بنگر سگان هارِ رها را» (شفیعی کدکنی، ۱۳۷۶: ۱۳۴).

شاعر با اشاره به واژه بن بست به تبیین روابط و مناسبات اجتماعی قالب بر روح و جان خویش می‌پردازد. تمام اتفاقات در بن بست اتفاق می‌افتد که امکان بالندگی ندارد. فسرده و یخ بسته بودن افکار و اندیشه‌ها و همچنین دست‌ها و صداها و همچنین سگان هار رها و بی کس، حاکی بیان وقایعی است که با تکیه بر اسلوب ایجاز و کم حجمی کلام مطرح گردیده است.

بی‌پیرایگی زبان

مین‌مالیسم‌ها، به سبک زبانی توجه ویژه‌ای دارند. زبان این گونه آثار باید به مصادیق اصلی کلام بپردازد و از پیچیدگی‌ها به دور باشد.

«مرگ او زندگی دوم او بود/ که گردید آغاز
شیشه عطری / سربسته / سرانجام شکست
همگان بو بردند

که چه چیزی را دادند از دست» (شفیعی کدکنی، ۱۳۹۹: ۳۴).

سخن شاعر پیرامون مرگ و سفر انسان به جهان باقی در قالب تمثیل شیشه عطری مصداق و معنا می‌یابد. در این نوع ویژگی، هدف بیان ساختارهای اصلی کلام است. اما به جهت تفهیم روابط و مناسبات واقعه با عناصری نیز ترکیب می‌شوند. مانند فراق، که مناسبات ثانویه مرگ است. نکته لازم به ذکر اشاره شاعر به رمز و معما است وی در تشبیه مرگ و شکستن شیشه عطری به عنوان سربسته اشاره می‌کند. که حاکی از معما گونگی شخصیت انسان‌هایی که در تمام دوره زندگی که در کنارمان بودند، آن‌ها را نشناختیم.

توجه به دغدغه‌های بشری

این گونه اشعار اغلب با هدف اثرگذاری بر عواطف خوانندگان نوشته می‌شود. نظیر این قطعه:

«ای دل! دیدی چو دیده بخت بخت

آن صبح امیدها ز ما روی نهفت

یک پیر کلاغ صد زمستان آورد و

ز صد گل سرخ ما بهاری نشکفت» (شفیعی کدکنی، ۱۳۹۹: ۱۸).

توجه به دغدغه‌های بشری، از ارکان اصلی مبانی مین‌مالیستی کلام است. توجه شاعر به بایدها و نبایدها با استفاده از واژگانی منحصر به فرد صورت می‌گیرد تا اندیشه‌ها و جریاناتی که

در سطح جامعه و یا از جمله دغدغه‌های کلی یک سرزمین است به خوبی معنا و مصداق یابند. نکته حائز اهمیت در این راستا، بهره‌گیری شاعر از واژگانی است که بار مثبت معنایی ندارند و این امر از آن روست که شاعر با ایجاد فضای دراماتیک، توجه مخاطب‌زا به فضایی متفاوت جلب نموده و در واقع آشنایی‌زدایی کند.

استفاده از تلمیح و ارجاعات بین متنی

یکی از راه‌های صرفه‌جویی در کاربرد واژه، استفاده از کلمات که یادآور ماجرای است. نظیر این قطعه:

«خدایا/ زین شگفتی‌ها/ دلم خون شد

دلم خون شد/ سیاوشی در آتش

رفت و از آن سو/ خوک بیرون شد» (شفیعی کدکنی، ۱۳۷۸: ۹۷).

شفیعی کدکنی، با اشاره به داستان سیاوش، اندوه خود را از حوادث ناگوار با رمز و تلمیح بیان می‌کند. نگاه شاعر به مبانی اساطیری، حاکی از تعمق او در حوادثی است که مظلومیتی را در دوره‌ای دیگر به تصویر بکشد. دل خونی شاعر نگاه مینی‌مالیستی او به وقایعی است که برخلاف سازوکارهای اجتماعی رخ داده و دنیای ذهنی او را پیرامون عوامل قابل ستایش زایل نموده و به بیراهه هدایت می‌کند.

تایپوگرافی

شاعران مینی‌مالیستی، توجه به فونت، فاصله بین حروف، اندازه آن‌ها و غیره به اشعار خود تنوع بصری می‌دهند.

«در پاییز/ فوجی از فاجعه

انبوهی از اندوه/ چون کوه

با علم‌هایی/ از بال کلاغ» (شفیعی کدکنی، ۱۳۷۶: ۲۹۴).

شاعر در این بیت با تکیه بر تصویرآفرینی روابط و مناسبات بصری واژگان، سعی در اثبات و تاکید کلام خویش دارد.

شاعر در سطر نخست، به فصل پاییز اشاره می‌کند. با توجه به سازوکارهای رایج در این فصل، شاعر از میان پرندگان، به گزینش کلاغ می‌پردازد. تا شومی وقایع را هر چه بیشتر به

خواننده القا کند. او با استفاده از واژه علم، اعلان عمومی وقایع را به لحاظ نحسی حوادث اطراف، هدف قرار داده.

استفاده از علایم سجاوندی

استفاده علایم سجاوندی، به ویژه سه نقطه (...) برای نشان دادن این که بخشی از مفاهیم شعر کوتاه شده است، در اشعار مینی‌مال رواج دارد. تمام مواردی را که درباره شاخصه‌های اشعار مینی‌مال اشاره شد، می‌توان در شعر شعرای مشهوری همچون شفیعی کدکنی، نیما یوشیج، احمد شاملو، مهدی اخوان ثالث، سهراب سپهری محمد زهری و دیگر بزرگان شعر نو فارسی دنبال کرد.

«- هیچ میدانی چرا؟»

چون موج...../ درگریز

از خویشتن پیوسته می‌کاهم؟ زانکه بر این پرده تاریک

این خاموشی نزدیک / آنچه می‌خواهم نمی‌بینم

و آنچه می‌بینم نمی‌خواهم» (شفیعی کدکنی، ۱۳۵۰: ۱۶).

شاعر با استفاده از علائم سجاوندی کلام، به نقد و تحلیل روابط و مناسبات اندیشه‌های پنهان خویش می‌پردازد او با طرح سؤال‌های پی‌درپی، ابهام خود را از دنیای اطراف با ناکامی‌ها مطرح می‌سازد. او جهت این امر از ساختار کلامی نفی‌گونه استمداد می‌جوید که اوج اندوه و ناکامی‌های شاعر را به تصویر می‌کشد چرایی او از بروز وقایع در بیان اندوه و شکایت او از دنیای اطراف است که دیگر به جهت تکرار حوادث ناگوار، انگیزه‌ای برای رهایی در وجودش باقی نمانده است. شاعر با بهره‌گیری از جملات کوتاه و اختصاری به تبیین ماجرای با ساختاری گسترده می‌پردازد. او با مطرح ساختن واژه سفرنامه، ابعاد مینی‌مالیسمی کلام خویش را تکامل می‌بخشد. بیان واژه باران و مناسبات متعدد آن در مراتب چیستی و چرایی از وقایع موجود، کمال ایجاز شاعر از مناسبات اجتماعی و سیاسی جامعه است.

رنالیسم

واقع‌گرایی یا رنالیسم، در هنرهای تصویری و ادبیات، نمایش چیزها به شکلی است که در زندگی روزانه اتفاق می‌افتد، بدون هرگونه آرایش یا تعبیر افزون، این واژه همچنین برای شرح کارهای هنری که برای آشکار کردن راستی، چیزهایی چون زشتی و پستی را تأیید کرده‌اند نیز

به کار می‌رود. رئالیست‌ها موضوعات و موقعیت‌های روزمره را در محیط‌های معاصر به تصویر می‌کشند و سعی می‌کنند افراد از همه طبقات اجتماعی را به روشی مشابه به تصویر بکشند.

«دیروز / چون دو واژه به یک معنی / از ما دو نگاه / هر یک سرشار دیگری

اوج یگانگی و امروز چون دو خط موازی

در امتداد یک راه یک شهر یک افق / بی نقطه تلاقی و دیدار

حتی در جاودانگی» (شفیعی کدکنی، ۱۳۴۷: ۱۴).

بیان وقایع موجود و عاری از هر گونه تعلقات رایج در سطح زندگی اجتماعی بشر، مصداق بارز این شاخصه مینی‌مالیستی کلام شاعر است. او با تاکید به واژه دیروز و امروز به بیان سازوکارهایی می‌پردازد که عناصر واقع‌گرایانه حوادث زندگی خویش را به تصویر بکشد. استفاده از اسم زمان و مکان‌های مختلف، نگاه آنالیز شده شاعر به وقایع اطراف است.

نتیجه‌گیری

توجه به روابط و مناسبات متعدد مکتب مینی‌مالیسم، امری است که نه تنها در متون نثر، بلکه در متون نظم، نیز نمود و بروز یافته است. در عصر حاضر، مینی‌مالیسم، به عنوان یک سبک در هنرهای مختلف پذیرفته شده است. با توجه به این که، این سبک در آغاز در هنرهای مانند معماری، نقاشی و پیکر تراشی و دیگر هنرهای تجسمی خود را نشان داده است، اما در حوزه ادبیات داستانی و اشعار مینی‌مالیسم نیز، ماندگاری بیشتری پیدا کرده است. یافته‌های این پژوهش، حاکی از آن است که در شعر شفيعی کدکنی گرایش به حجم کم، کمینه‌گرایی، دوری از پیرایه‌های زبانی، روی آوردن به رئالیسم، بیان اندیشه‌های جذاب و با طراوت، حضور پررنگ دارد. نکته حائز اهمیت در شعر شفيعی، تمامی حوادث اجتماعی، سیاسی و اخلاقی است که با سازوکارهای جزئی زندگی افراد یک جامعه ارتباط مستقیم دارد. طبق بررسی‌های صورت گرفته، شعر او بیشتر دارای ویژگی ایجاز است. گزیده‌گویی وی و انتخاب واژگان مناسب برای بیان وقایع اطراف خویش، بر مبنای اصول و ساختاری صورت گرفته که از دیدگاه ساختارگرایان، فرمالیسم نامیده می‌شود. ارائه کلام در فرم و ساختاری منحصر به فرد که متناسب با شرایط زمان و مکان واقعه قابل رخداد باشد، حاکی از استواری کلام وی، مبتی بر گزینش واژگان است. شفيعی، با استفاده از مبانی واقعی جامعه رویدادهایی را به تصویر می‌کشد که آثارش را فراز مان و فرامکان نموده و می‌تواند با انعکاس مضامین گوناگون برای نسل‌های

بعدی اثربخش باشد و این امر همان دغدغه اصلی نویسنده دوره معاصر است که آثارش بازتابی از حوادثی است که در بطن جامعه رخ داد و با تعبیر گوناگون نظیر طنز، کنایه و مبانی گوناگون سخنوری مطرح می‌گردد. با عنایت به آنچه ذکر شد توجه به ساختارهای کلامی به عنوان اصلی‌ترین بن مایه‌های اجزای کلام با ایجاد روابط و مناسبات متعدد سخنوری، بستر مناسبی را جهت نقد و تحلیل متون گوناگون ادبی فراهم می‌آورد؛ در این راستا آثار شفیع کدکنی، با توجه به برخورداری از شاخصه ترکیبی مینی‌مالیستی، بخش گسترده‌ای از مناسبات این مکتب هنری را به خود اختصاص می‌دهد. در این پژوهش با بررسی و تعمق در اشعار شفیع کدکنی، دریافتیم که اشعار وی علاوه بر ارزش محتوایی از جهت مؤلفه‌های مینی‌مالیسم نیز، قابل اهمیت است و بیانگر تطابق بسیاری از مؤلفه‌های ترکیبی مینی‌مالیسم می‌باشد.

منابع

کتاب‌ها

پاینده، حسین (۱۳۸۵). *نقد ادبی و دموکراسی-جستارهایی در نظریه و نقد ادبی جدید*، تهران: نیلوفر سپید.

شفیعی کدکنی، محمدرضا (۱۳۵۶). *از بودن و سرودن*، تهران: توس.

شفیعی کدکنی، محمدرضا (۱۳۷۶). *هزاره دوم آهوی کوهی*، تهران: سخن.

شفیعی کدکنی، محمدرضا (۱۳۸۴). *در کوچه باغ‌های نیشابور*، تهران: سخن.

شفیعی کدکنی، محمدرضا (۱۳۸۸). *از زبان برگ*، تهران: سخن.

شفیعی کدکنی، محمدرضا (۱۳۹۹). *طفلی به نام شادی*، تهران: سخن.

مقالات

بارت، جان. (۱۳۷۵). چند کلمه درباره مینی‌مالیسم، ترجمه مریم نبوی‌نژاد. *زنه رود*، ۱(۱۴)-۱۶، ۳۹-۵۵.

بارت، جان. (۱۳۸۱). سخنی کوتاه درباره مینی‌مالیسم. ترجمه کامران پارسی‌نژاد. *ادبیات داستانی*، ۱(۶۱)، ۳۹-۵۰.

پارسی‌نژاد، کامران. (۱۳۸۲). داستان کوتاه یا داستان کارت پستالی. *ادبیات داستانی*، ۱(۷۴)، ۵۸-۶۱.

جزینی، جواد. (۱۳۷۸). ریخت‌شناسی داستان‌های مینیمال. *کارنامه*، ۱(۶).

دلایز، مسعود. (۱۳۹۰). تأثیر ذهن و زبان اخوان ثالث بر شعر شفیعی کدکنی در دفتر «شبخوانی». *زبان و ادب فارسی*، ۳(۸)، ۲۷-۵۲.

سلیمی نژاد، فرشاد، نوروزی داودخانی، ثوراله، اسداللهی، خدابخش. (۱۴۰۰). بررسی و تحلیل مؤلفه های هویت ملی در شعر اخوان و شفیعی کدکنی. *تفسیر و تحلیل متون زبان و ادبیات فارسی (دهخدا)*، ۱۳(۵۰)، ۲۹۷-۳۲۱. doi: 10.30495/dk.2021.1931747.2273

صیادی، احمدرضا، رحمتی، عبدالحسین. (۱۳۹۱). مینی مالیسیم ادبی. *رشد آموزش زبان و ادبیات فارسی*، ۱(۱۰۴)، ۴۰-۵۳.

فخریان، ندا. (۱۳۹۴). بررسی تطبیقی تلمیحات در اشعار اخوان ثالث و محمدرضا شفیعی کدکنی. *اورمزد*، ۸(۲۴).

مدرسی، فاطمه، رضی، مهرویه. (۱۳۹۱). ویژگی مینی مالیستی در برخی داستان بیت های دیوان مولانا. *سبک شناسی نظم و نثر فارسی*، ۵(۴)، ۳۲۷-۳۴۲.

پایان نامه ها

پویانیا، اشکان (۱۳۹۱) *بررسی جنبه های مینیمال قطعه آینه در آینه، اثر آروپرت، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه هنر.*

تورانی، سهراب، روحانی، مسعود، ستاری، رضا (۱۳۹۰) *بررسی تطبیقی، آرکائیسیم در شعر معاصر با محوریت سه شاعر (اخوان ثالث، شاملو و شفیعی کدکنی)، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه مازندران.*

دولتیان، سمیه (۱۳۸۸) *تحلیل ساختار و مضمون داستانک های معاصر فارسی، پایان نامه کارشناسی ارشد، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.*

References

Books

Payandeh, Hossein (2006) *Literary Criticism and Democracy - Essays in New Theory and Literary Criticism*, Tehran: Nilofar Sepid.

Shafi'i Kadkani, Mohammad Reza (1977) *From being and writing*, Tehran: Tos.

Shafi'i Kadkani, Mohammad Reza (1997) *The second millennium of mountain deer*, Tehran: Sokhn.

Shafi'i Kadkani, Mohammad Reza (2014) *in Neyshabour Gardens Alley*, Tehran: Sokhn.

Shafi'i Kadkani, Mohammad Reza (2009) *from the language of Berg*, Tehran: Sokhn.

Shafi'i Kadkani, Mohammad Reza (2019) *A child named Shadi*, Tehran: Sokhn.

Articles

Barrett, J. (1996). A few words about Mini-Malism, translated by Maryam Naboi-Najad. *Zinda Roud*, 1(14-16), 39-55.

Barrett, J. (2002). A short word about minimalism. Translated by Kamran Parsi-Najad. *Fiction*, 1(61), 39-50.

Delaviz, M. (2011). Inspired by Akhavan Sales: Thoughts and Poetic Language in Shafiei Kadkani's Poetry by Particular Reference to Shabkhani. *Persian language and literature*, 3(8), 27-52.

Fakhrian, N. (2014). A comparative study of allusions in the poems of Akhwan Al-Talihi and Mohammad Reza Shafiei Kodkani. *Ormazd*, 8(24).

Jazini, J. (1999). The morphology of minimal stories. *Report*, 1(6).

Modrasi, F, Razi, M. (2011). Minimalist feature in some stories of Divan Rumi. *Stylistics of Persian poetry and prose*, 5(4), 327-342.

Parsi Nejad, K. (2003). Short short story or postcard story. *Fiction*, 1(74). 58-61.

Salimi Nejad, F., Norouzi Davoodkhani, T., Asadollahi, K. (2021). Investigating and analyzing the components of national identity in Akhavan's and Shafi'i Kadkani's Poetry. *Interpretation and Analysis of Persian Language and Literature Texts (Dehkhoda)*, 13(50), 297-321. doi: 10.30495/dk.2021.1931747.2273

Sayadi, A. R., Rahmati, A. H. (2011). Literary minimalism. *The development of Persian language and literature education*, 1(104), 40-53.

Theses

Dalutian, Samieh (2008) *Analysis of the structure and theme of contemporary Persian short stories*, Master's thesis, Research Institute of Humanities and Cultural Studies.

Pouyanya, Ashkan (2012) *Investigation of the minimal aspects of the mirror-in-mirror piece, Aropert's work*, Master's thesis, University of Arts.

Torani, Sohrab, Rouhani, Massoud, Sattari, Reza (2013) *Comparative study, Archaism in contemporary poetry focusing on three poets (Third Brotherhood, Shamlou and Shafiei Kodkani)*, Master's Thesis, Mazandaran University.

Explanation of the literary characteristics of the school of minimalism in the poems of Shafiei Kadkani

Seyyedeh Zahra Rouhani¹, Dr. Shahin Ojagh Alizadeh², Dr. Fatemeh Emami³

Abstract

Minimalism art school as one of the literary schools deals with the expression of short story situations in prose texts. With the development of diverse approaches to poetic relations and relationships in society, this school also significantly demonstrated itself in poetry. Therefore, it is not only possible to discover examples of it in poetry, but it is also possible to achieve the glory of a story content presented in a concise verbal form in a short theme. In the present research, descriptive-analytical method and library method (studies of books and theses) have been utilized to clarify the concepts. Taking into account the current research and reflecting on Shafiei Kadkani's poems, it can be noticed that his poetry, in addition to holding content values and values and expressing teachings, opens a political and social moral chapter to the study of minimal poetry, which is worthy of reflection. The single character of time and limited space, realist tendency and the expression of human concerns, which are minimal components, have a strong presence in his poetry. Hence, in the present study, we aim to criticize his poems and thoughts based on the extensive relationships and relations of minimalism and its numerous characteristics, which examples such as minimalism simplicity and avoidance, and the challenges and concerns of contemporary man are its most outstanding achievements. The findings of this research in Shafiei Kadkani's poems are indicative of the fact that the poems of Shafiei Kadkani strongly tend to be small in volume, to be minimalism, to avoid linguistic distortions, to turn to realism, and to express attractive and refreshing thoughts. This research seeks to investigate the effect and position of minimal in the poems of the prominent contemporary poet Shafiei Kadkani.

Keywords: Minimalism, Conciseness of Shafiei Kadakani, Realism, hint.

¹ . PhD student, Department of Persian Language and Literature, Roudehen Branch, Islamic Azad University, Roudehen, Iran. zrouhani25000@gmail.com

² . Assistant Professor, Department of Persian Language and Literature, Roudehen Branch, Islamic Azad University, Roudehen, Iran. (Corresponding Author) alizade@riau.ac.ir.

³ . Assistant Professor, Department of Persian Language and Literature, Roudehen Branch, Islamic Azad University, Roudehen, Iran. femami@ymail.com